



بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی

سیروس احمدی^۱، مسعود نادریان^{۲*}، سعید کارگر^۳

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی بود. روش تحقیق، پیمایش بود. جامعه آماری، زنان ۳۰-۱۵ ساله شهر جهرم بودند که ۳۳۶ نفر به‌عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. متغیر وابسته تحقیق به صورت کیفی و بر حسب مراجعه یا عدم مراجعه به باشگاه‌های ورزشی (در طی یک سال گذشته) سنجش شد و جهت سنجش اعتماد اجتماعی از یک مقیاس پژوهشگر ساخته استفاده گردید که با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تعیین اعتبار سازه‌ای گردید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفا مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد ۴۷/۳ درصد زنان در یکسال گذشته به باشگاه‌های ورزشی مراجعه کرده و ۵۲/۷ درصد به باشگاه‌ها مراجعه نکرده‌اند. تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد اعتماد اجتماعی رابطه معناداری با مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی دارد و با افزایش اعتماد اجتماعی، احتمال مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی بیشتر می‌شود.

کلید واژه‌ها: زنان، اعتماد اجتماعی، باشگاه ورزشی

E-mail: sahmadi@yu.ac.ir

E-mail: m.naderian@sprt.ui.ac.ir

E-mail: Saeed_kargar2009@yahoo.com

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

۲. دانشیار گروه تربیت بدنی دانشگاه اصفهان*

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

ورزش یکی از فعالیت‌های مهم انسانی است که از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته اما در دوران جدید آن چنان فراگیر شده است که از آن به عنوان یک نهاد اجتماعی نام برده می‌شود (۱۶). یکی از مباحث اجتماعی مهم در این نهاد جدید، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بر حسب جنسیت است. مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به صورت حرفه‌ای تا همین اواخر یک فعالیت مردانه بود و زنان سهم چندانی نداشتند (۲۷)؛ مثلاً اولین دوره مسابقات المپیک در سال ۱۸۹۶ در آتن یونان بدون حضور زنان انجام شد. اما از دهه‌های نخستین قرن بیستم به تدریج این امکان فراهم گردید تا زنان در فعالیت‌های ورزشی حرفه‌ای مشارکت نمایند و اینک زنان کم و بیش در تمام رشته‌های مختلف ورزشی در میادین معتبر و رسمی امکان فعالیت دارند، به گونه‌ای که از مجموع ورزشکارانی که در المپیک ۲۰۰۸ پکن شرکت کردند، ۴۲ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. به علاوه در طی قرن بیستم، امکان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی همگانی یا غیرحرفه‌ای نیز به سرعت گسترش یافته است (۵) با این حال به عنوان یک قاعده جهانی، مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی چه حرفه‌ای و چه همگانی، محدود است (۷)، (۸) و (۲۱). به علاوه، قاعده جهانی دیگر در مورد ورزش زنان این است که آنان کمتر تمایل دارند برای انجام فعالیت‌های ورزشی به باشگاه مراجعه کنند، مثلاً در استرالیا تنها ۲۸/۵ درصد (۲۶) و در انگلستان فقط ۳۱ درصد (۱۸) از زنانی که ورزش می‌کنند، به باشگاه‌ها مراجعه می‌نمایند. در ایران نیز نتایج یک پیمایش ملی نشان می‌دهد تنها ۱۵/۸ درصد از زنانی که ورزش می‌کنند به باشگاه‌ها مراجعه می‌کنند (۱۳).

هیلتون و برامهام^۱ (۲۰۰۸) در بررسی موانع مراجعه زنان به باشگاه‌ها جهت انجام فعالیت‌های ورزشی از عوامل فیزیکی (کمبود امکانات و تجهیزات ورزشی و سرویس‌ها و خدمات ارائه شده در باشگاه‌ها)، عوامل اقتصادی (عدم توانایی پرداخت هزینه‌های تعیین شده از سوی باشگاه‌ها)، عوامل انگیزشی (فقدان درک ارزش فعالیت ورزشی یا تصویر منفی از خود) و عوامل فرهنگی نام می‌برند. به زعم لسنسکی^۲ (۲۰۰۳) زنان به دلیل احساس ترس و هراس از آزار و اذیت جنسی (از سوی مردان) و آزار و اذیت کلامی (از سوی زنان) کمتر تمایل دارند به باشگاه‌ها مراجعه کنند. چرا که احساس می‌کنند بدن‌های نیمه‌عریان‌شان در باشگاه‌های ورزشی همواره در معرض دید دیگران قرار دارند. براین اساس، اعتماد اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در مراجعه یا عدم مراجعه به باشگاه‌های ورزشی داشته باشد. گیدنز (۱۳۷۸) معتقد است در جوامع مدرن، ما با دیگری تعامل داریم که یا خوب نمی‌شناسیم یا قبلاً هرگز آنها را ندیده‌ایم و این تعامل، حالتی گذرا دارد. این گونه برخوردها با بی‌توجهی مدنی، حفظ می‌شوند. بی‌توجهی مدنی، پیش فرض کلی اعتمادی است که در برخوردهای منظم با بیگانگان در مکان‌های عمومی وجود دارد. در جامعه شهری، افراد به هم نگاه سریعی می‌اندازند و از کنار هم رد می‌شوند. این نگاه به معنای بازشناسی دیگری به عنوان یک آشنای بالقوه و بازتضمین عدم نیت دشمنانه است. به زعم او اعتماد اجتماعی، عامل اساسی احساس آرامش جسمانی، روانی و امنیت اجتماعی در وضعیت عادی زندگی روزمره است. اوفه (۱۳۸۵) معتقد است اعتماد در چهار حوزه خود را نشان می‌دهد. نخستین حوزه، اعتماد شهروندان به هم‌شهری‌های خود است. حوزه دوم، اعتماد به نخبگان سیاسی یا اعتماد به نخبگان سایر بخش‌ها (رسانه‌ها، پلیس، دادگاه، پزشکان و غیره) است. سومین حوزه، اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش‌هاست و چهارمین حوزه، اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه است که در آن نخبگان درباره گرایش‌های رفتاری عناصر بخش‌های مختلف یا کل توده‌ها به باورهایی دست می‌یابند. به باور اوفه (۱۳۸۵) اعتماد اجتماعی یکی از منابع فرهنگی اخلاقی است که به شیوه‌ای غیررسمی، هماهنگی اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. پاتنام^۳ (۲۰۰۲) اعتماد را از عناصر ضروری برای تقویت همکاری می‌داند که حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است. اعتماد در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران به دست می‌آید اما در جامعه بزرگ و پیچیده، اعتماد

1. Hylton & Bramham

2-Lenski

3. Putnam

غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد. پاتنام (۱۹۹۳) افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از پیامدهای اعتماد معرفی می‌کند. به اعتقاد کلمن (۱۳۷۷)، افراد برای این به کنش اجتماعی می‌پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق بده بستان‌ها امکان‌پذیر است. بنابراین بده بستان‌ها و مبادله‌ها در ساختن کنش‌های اجتماعی، نقش اساسی دارند. اما چه اطمینانی وجود دارد که یک طرف یا طرفین مبادله به دنبال سوءاستفاده نباشند. اینجاست که نیاز به اعتماد ضرورت می‌یابد. پارسونز (به نقل از انعام، ۱۳۸۰) اعتماد را عامل ایجاد اتحاد، انسجام اجتماعی، ثبات و نظم می‌داند که باعث می‌شود دیگران به تعهدات و مسؤولیت‌هایشان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک نمایند. به زعم شولتز (۱۳۷۷) وجود اعتماد باعث پیدایش آرامش، امنیت و سلامتی روان می‌شود. به اعتقاد اینگلههارت (۱۳۷۳) مشارکت، توأم با حس اعتماد است و به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود. وجه اشتراک دیدگاه‌های نظری این است که افزایش اعتماد اجتماعی می‌تواند مشارکت اجتماعی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی را تسهیل نماید. بر این اساس، گسترش اعتماد اجتماعی در بین زنان می‌تواند مراجعه آنان را به باشگاه‌های ورزشی افزایش دهد. زیرا اعتماد اجتماعی، احساس ترس و هراس زنان را از این که در معرض آزار و اذیت جنسی و کلامی دیگران هستند، کاهش می‌دهد.

سیپل^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی در نروژ به تأثیر مشارکت ورزشی بر اعتماد اجتماعی در بین افراد ۱۶-۸۵ ساله پرداخت و نشان داد مشارکت در سازمان‌های ورزشی باعث تقویت اعتماد اجتماعی در افراد می‌شود. دلانی و کینی^۲ (۲۰۰۵) در بررسی رابطه‌ی ورزش و سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از داده‌های پیمایش کشورهای اروپایی نشان دادند رابطه‌ی معناداری بین اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی وجود دارد و کشورهایی که سطوح اعتماد اجتماعی در آنها بالاتر است نرخ مشارکت ورزشی شهروندانشان در فعالیت‌های ورزشی نیز بیشتر است. شارچپور و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی در ایران نشان دادند اعتماد به دوستان و اعتماد به همسایگان به عنوان ابعاد سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، همبستگی معناداری با مشارکت ورزشی جوانان دارند و طی آن با افزایش اعتماد به دوستان و همسایگان، مشارکت ورزشی جوانان بیشتر می‌شود. با افزایش اعتماد اجتماعی، احتمال مراجعه‌ی زنان به باشگاه‌های ورزشی بیشتر می‌شود یا نه؟

روش‌شناسی پژوهش

روش به کار رفته در این پژوهش، روش پیمایشی است. جامعه آماری، زنان ۳۰-۱۵ ساله شهر چهارم است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آنها ۲۳ هزار و ۲۶۲ نفر بوده است. به دلیل وجود برآوردهای مختلف از نرخ مشارکت ورزشی زنان در ایران از آمارهای مطالعه مقدماتی استفاده گردید که طی آن مقدار (p) برابر با ۰/۳۳ و مقدار (q) برابر با ۰/۶۷ برآورد گردید. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران^۳ (۱۹۷۷) و تعیین فاصله‌ی اطمینان (t) برابر ۰/۹۵ و ضریب خطا (d) برابر با ۰/۰۵، اندازه نمونه ۳۳۶ نفر تعیین گردید. جهت انجام نمونه‌گیری از روش تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. مکانیزم آن به این صورت بود که ابتدا ده محله اصلی شهر (شهرک انقلاب، هواشناسی، اسفربیز، ولی عصر، خارقان، کوشکک، جبذر، علی پهلوان، مطهری، صحرا) بر روی نقشه، مشخص و مقرر گردید از هر ده محله، نمونه‌گیری به عمل آید. سپس حدود هر محله بر روی کاغذ مدرج تعیین و محورهای x, y بر روی آن مشخص گردیدند. در مرحله بعد به طور تصادفی یک عدد بر روی محور x و یک عدد بر روی محور y تعیین و محل تقاطع آن‌ها به عنوان نقطه نمونه‌گیری انتخاب شد. از پرسش-گران خواسته شد در نقطه مورد نظر مستقر و سپس به طور تصادفی یکی از جهات جغرافیایی (شرق، غرب، شمال و جنوب) را انتخاب و در جهت جغرافیایی انتخاب شده حرکت و کوچه‌های سمت راست را انتخاب و در هر کوچه از کد پستی منازل که رقم سمت راست آن‌ها زوج بود به تعداد مورد نظر انتخاب و با فردی که واجد شرایط (۱۵-۳۰ سال) بوده و حاضر به

1. Seippel
2. Delaney & Keaney
3. Cochran

مشارکت در تحقیق باشد، مصاحبه نمایند. در مجموع با مراجعه به ۴۰۰ خانه امکان مصاحبه با ۳۳۶ نفر امکان پذیر گردید. جهت سنجش متغیر وابسته مراجعه به باشگاه های ورزشی از پاسخگویان پرسیده شد آیا در یکسال گذشته از (شهریور ماه ۱۳۸۹ تا شهریور ماه ۱۳۹۰) جهت انجام ورزش به باشگاه‌های ورزشی زنان مراجعه کرده‌اند؟ اما جهت سنجش متغیر مستقل اعتماد اجتماعی از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که بر اساس دسته‌بندی چلیبی (۱۳۷۵) و گیدنز (۱۳۷۸) از اعتماد اجتماعی، مشتمل بر دو بعد اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی است. این پرسشنامه که در ابتدا مشتمل بر ۱۲ آیتم با دامنه پاسخ‌های ترتیبی پنج درجه‌ای از نوع لیکرت بود، با استفاده از نظرات داوران تعیین اعتبار محتوا گردید و پس از حذف دو سؤال (از هر یک از ابعاد) نهایی گردید و سپس با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، اعتبار سازه‌ای شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ انعکاس یافته است. بر اساس نتایج جدول، آزمون KMO برابر با ۰/۷۳۵ است که نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری است. به علاوه، شاخص مجذور کای برای آزمون کرویت بارلت نیز $P < ۰/۰۰۰$ است که نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد و عامل‌ها به درستی تفکیک شده‌اند. تحلیل عاملی با چرخش واریماکس در مجموع با حذف دو آیتم از بعد اعتماد بین شخصی، منجر به استخراج دو عامل اعتماد نهادی با ۵ آیتم و اعتماد بین شخصی با ۳ آیتم گردید که قادرند ۴۴/۴ درصد از واریانس سازه‌ی اعتماد اجتماعی را تبیین کنند. جهت تعیین پایایی مقیاس نیز از همابستگی درونی به روش آلفا کرانباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۱۲ به دست آمده است.

جدول ۱: تعیین اعتبار و پایایی مقیاس اعتماد اجتماعی

ضریب آلفا کرانباخ	واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها		آیتم‌ها	
			بین شخصی	نهادی		
			وزن عاملی	وزن عاملی		
۰/۷۱۲	۲۸/۲	۲/۵		۰/۷۳۵	اعتماد به پلیس	
				۰/۷۲۳	اعتماد به پرستاران	
				۰/۷۲۱	اعتماد به پزشکان	
				۰/۶۷۱	اعتماد به قضات	
				۰/۵۰۴	اعتماد به معلمان	
	۱۶/۲	۱/۵	۰/۷۰۳		به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که بشود به او اعتماد کرد.	
			۰/۶۹۶		پایبندی به قول و قرار در بین دوستان کم است.	
			۰/۶۵۶		عموماً نمی‌توان به غریبه‌ها اعتماد کرد.	
	۰/۷۳۵				KMO Test	
	Chi-square = ۴۷۹	Df = ۴۵	Sig = ۰/۰۰۰		Bartlett Test	

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های تحقیق، ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان به طور کلی و بر حسب زنان مراجعه کننده به باشگاه‌های ورزشی و زنانی که به باشگاه‌های ورزشی مراجعه نکرده‌اند در جداول ۲ تا ۶ منعکس شده است.

جدول ۲: وضعیت سنی پاسخگویان

وضعیت سنی پاسخگویان	میانگین سنی	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند
	۲۲/۷	۲۱/۵	۲۳/۷

جدول ۳: وضعیت تحصیلی پاسخگویان

وضعیت تحصیلی پاسخگویان	میانگین تحصیلات (سال)	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند
	۱۳	۱۳	۱۳

جدول ۴: وضعیت تأهل پاسخگویان

وضعیت تأهل	تعداد	درصد	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند
متاهل	۱۴۲	۴۲/۳	۴۸ (۳۳/۸)	۹۴ (۶۶/۲)
مجرد	۱۹۴	۵۷/۷	۱۱۱ (۵۷/۲)	۸۳ (۴۲/۸)

جدول ۵: وضعیت بچه‌دار بودن پاسخگویان

وضعیت بچه‌دار بودن	تعداد	درصد	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند
داشتن فرزند	۹۵	۲۸/۳	۳۸ (۴۰)	۵۷ (۶۰)
نداشتن فرزند	۲۴۱	۷۱/۷	۱۲۱ (۵۰/۲)	۱۲۰ (۴۹/۸)

جدول ۶: وضعیت اشتغال پاسخگویان

وضعیت اشتغال	تعداد	درصد	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند
شاغل	۶۵	۱۹/۳	۲۳ (۳۵/۴)	۴۲ (۶۴/۶)
غیر شاغل	۲۷۱	۸۰/۷	۱۳۶ (۵۰/۲)	۱۳۵ (۴۹/۸)

تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی در زنان مراجعه کننده به باشگاه و زنان غیر مراجعه کننده

جهت آزمون تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی و ابعاد دوگانه آن در گروه زنانی که جهت انجام فعالیت‌های ورزشی به باشگاه‌ها مراجعه کرده‌اند و زنانی که به باشگاه‌ها مراجعه نکرده‌اند از آزمون تی مستقل استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۷ منعکس شده است.

جدول ۷: تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در زنان مراجعه کننده به باشگاه‌ها و زنان غیر مراجعه کننده

Sig	df	t	زنانی که به باشگاه‌های ورزشی مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه‌های ورزشی مراجعه نکرده‌اند	
			تعداد= ۱۵۹	تعداد= ۱۷۷	
۰/۰۰۹	۳۳۴	-۲/۶	۲۴/۶	۲۳/۳	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۵	۳۳۴	-۲/۸	۶/۷	۶/۱	بعد بین شخصی
۰/۱۵۱	۳۳۴	-۱/۴	۱۷/۸	۱۷/۳	بعد نهادی

بر اساس داده های جدول، در مجموع، اعتماد اجتماعی زنانی که جهت انجام فعالیت‌های ورزشی به باشگاه‌ها مراجعه می‌کنند بیش از زنانی است که به باشگاه‌ها مراجعه نمی‌کنند. به علاوه، این تفاوت تنها در بعد اعتماد بین شخصی صادق است و در بعد اعتماد نهادی معنادار نیست.

تبیین مراجعه زنان به باشگاه‌ها بر اساس اعتماد اجتماعی

جهت تبیین متغیر وابسته مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی بر حسب اعتماد اجتماعی از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بر اساس داده‌های جدول شماره ۸ متغیر اعتماد اجتماعی رابطه معناداری با پیش‌بینی مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی دارد؛ به گونه‌ای که به ازای یک واحد افزایش در اعتماد اجتماعی، مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی ۱/۲ برابر می‌شود به عبارتی (افزایش می‌یابد). در مجموع بر اساس شاخص کاکس و اسنل^۱ متغیر اعتماد اجتماعی قادر است ۰/۰۲۸ تغییرات مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی را تبیین نماید. به علاوه، بر اساس داده‌های جدول شماره ۹ حساسیت مدل در تشخیص زنان مراجعه کننده به باشگاه‌های ورزشی، ۴۳/۴ درصد، زنان غیرمراجعه کننده به باشگاه‌های ورزشی ۶۷/۲ درصد است و حساسیت آن در کل ۵۶ درصد می‌باشد.

جدول ۸: تحلیل رگرسیون لجستیک مراجعه زنان به باشگاه ورزشی بر اساس اعتماد اجتماعی

Exp(B)	Sig	df	Wald	S.E.	B	
۱/۲	۰/۰۰۶	۱	۷/۴	۰/۰۲۵	۰/۰۶۲	اعتماد اجتماعی
۰/۲۰۲	۰/۰۱۰	۱	۶/۷	۶/۲	-۱/۶	مقدار ثابت

جدول ۹: مدل رگرسیون لجستیک در تشخیص زنان مراجعه کننده به باشگاه‌های ورزشی از زنان غیرمراجعه کننده

		مورد انتظار			
درصد پیش‌بینی صحیح	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند			
		۴۳/۴	۹۰	۶۹	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند
۶۷/۲	۱۱۹	۵۸	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند		
۵۶	درصد پیش‌بینی کل				

تبیین مراجعه زنان به باشگاه‌ها بر اساس مجموع متغیرهای مستقل

جهت کنترل اثر متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، وضع تأهل، وضع اشتغال و بچه‌دار بودن) بر مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی به منظور تصریح رابطه اعتماد اجتماعی و مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده گردید. بر اساس داده‌های جدول شماره ۱۰ در مجموع سه متغیر اعتماد اجتماعی، سن و وضع تأهل رابطه معناداری با مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی دارند و میزان تحصیلات، بچه‌دار بودن و وضع اشتغال رابطه معناداری نشان نمی‌دهند. بر اساس داده‌های جدول به ازای یک واحد افزایش در اعتماد اجتماعی، مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی ۱/۱۵ برابر می‌شود (افزایش می‌یابد). به ازای یک واحد افزایش در سن، مراجعه به باشگاه‌های ورزشی ۰/۹۴ برابر می‌شود (کاهش می‌یابد) و بالاخره به ازای مجرد بودن، مراجعه به باشگاه‌های ورزشی ۲/۱ برابر می‌گردد (افزایش می‌یابد). در مجموع بر اساس شاخص کاکس و اسنل با اضافه شده متغیرهای سن و وضع تأهل، میزان تبیین متغیر وابسته مراجعه به باشگاه ورزشی

به ۰/۰۹۴ افزایش می‌یابد که نشان می‌دهد متغیرهای زمینه‌ای سن و وضع تأهل ۰/۰۶۶ به قدرت تبیین کنندگی افزوده‌اند. بر اساس داده‌های جدول شماره ۱۱ حساسیت مدل در تشخیص زنانی که به باشگاه‌های ورزشی مراجعه می‌کنند، ۶۳/۵ درصد، زنانی که به باشگاه‌های ورزشی مراجعه نمی‌کنند، ۶۷/۸ درصد و حساسیت آن در کل ۶۵/۸ درصد می‌باشد.

جدول ۱۰: تحلیل رگرسیون لجستیک مراجعه زنان به باشگاه ورزشی بر اساس مجموع متغیرها

Exp(B)	Sig	df	Wald	S.E.	B	
۱/۱۵	۰/۰۱۱	۱	۶/۴	۰/۰۲۶	۰/۰۶۵	اعتماد اجتماعی
۰/۹۴۱	۰/۰۴۱	۱	۱/۴	۰/۰۳۰	-۰/۰۶۱	سن
۲/۱	۰/۰۱۶	۱	۵/۹	۰/۲۷۹	۰/۶۷۴	وضع تأهل
۰/۵۰۹	۰/۵۲۱	۱	۰/۴۱۲	۱/۰۵	-۰/۶۷۶	مقدار ثابت

جدول ۱۱: مدل رگرسیون لجستیک در تشخیص زنان مراجعه کننده به باشگاه‌های ورزشی از زنان غیرمراجعه کننده

درصد پیش‌بینی صحیح	مورد انتظار		مشاهده شده	درصد پیش‌بینی کل
	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند		
۵۷/۹	۹۲	۶۷	زنانی که به باشگاه مراجعه کرده‌اند	
۶۴/۴	۱۱۴	۶۳	زنانی که به باشگاه مراجعه نکرده‌اند	
۶۱/۳				

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال این بود که رابطه اعتماد اجتماعی و مراجعه زنان ۱۵-۳۰ ساله به باشگاه‌های ورزشی جهت انجام فعالیت‌های ورزشی را بررسی نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق، در مجموع ۴۷/۳ درصد زنان جهت انجام فعالیت‌های ورزشی به باشگاه‌ها مراجعه کرده و ۵۲/۷ به باشگاه‌های ورزشی مراجعه نکرده‌اند. مراجعه نزدیک به نیمی از زنان به باشگاه‌های ورزشی بیانگر این است که زنان در مقایسه با دهه قبل که بر اساس پیمایش ملی (۱۳) در حدود ۱۶ درصد به باشگاه‌های ورزشی مراجعه می‌کردند، رشد بسیار خوبی داشته است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که رقم مذکور مربوط به انجام حداقل یک فعالیت ورزشی در طول یک سال در باشگاه‌های ورزشی است و علاوه بر آن میانگین سنی زنان مراجعه کننده به باشگاه‌های ورزشی نیز ۲۱/۵ سال است که باید مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی وجود دارد و طی آن با افزایش اعتماد اجتماعی، احتمال مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی ۱/۲ برابر می‌شود. این یافته پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و مراجعه به باشگاه‌ها جهت انجام فعالیت‌های ورزشی، با نتایج پژوهش دلانی و کینی (۲۰۰۵) در کشورهای اروپایی که نشان می‌دهند با افزایش اعتماد اجتماعی، نرخ مشارکت ورزشی بیشتر می‌شود و پژوهش شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۷) که نشان دادند بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی رابطه معناداری وجود دارد و اعتماد به دوستان و اعتماد به همسایگان باعث افزایش مشارکت ورزشی در بین جوانان ایرانی می‌شود، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند. تفاوت عمده نتیجه‌گیری تحقیق حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که در تحقیق حاضر افزایش اعتماد اجتماعی باعث افزایش احتمال مراجعه به باشگاه‌های ورزشی جهت انجام فعالیت‌های ورزشی می‌شود و نه لزوماً افزایش مشارکت ورزشی.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهند با بالا رفتن سن، احتمال مراجعه به باشگاه‌های ورزشی کاهش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که نشان می‌دهند سن، رابطه معناداری با گرایش به فعالیت‌های ورزشی دارد منطبق است و آن را تأیید می‌کند. این امر شاید ناشی از این باشد که با افزایش سن، گرفتاری‌ها و مشکلات زنان افزایش می‌یابد و مانع از مراجعه آنان به باشگاه‌های ورزشی می‌گردد. به علاوه، تأهل، احتمال مراجعه به باشگاه‌های ورزشی را کاهش می‌دهد و مجرد بودن احتمال مراجعه به باشگاه‌های ورزشی را تقریباً دو برابر می‌کند. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که نشان می‌دهند زنان متأهل نسبت به مجردها امکان ورزشی کمتری دارند منطبق است اما با نتایج تحقیق وحیدا و همکاران (۱۳۸۵) که نشان می‌دهند زنان متأهل تمایل بیشتری به ورزش دارند منطبق نمی‌باشد. به طور طبیعی زنان متأهل، وظایف و مسئولیت‌های بیشتری دارند در نتیجه محتمل‌تر است که در مقایسه با زنان مجرد، مراجعه‌شان به باشگاه‌های ورزشی کاهش یابد. تفاوت نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق وحیدا و همکاران (۱۳۸۵) احتمالاً ناشی از این است که در تحقیق حاضر اساساً بر بعد رفتاری یا عملی (مراجعه یا عدم مراجعه به باشگاه ورزشی) تأکید شده نه نگرش به فعالیت‌های ورزشی و مشارکت در آن. بر اساس یافته‌های تحقیق، تحصیلات زنان رابطه معناداری با مراجعه به باشگاه ورزشی ندارد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش مظفری و همکاران (۱۳۸۱) که نشان می‌دهند بین گرایش به فعالیت‌های ورزشی و سطح تحصیلات رابطه معناداری وجود ندارد، منطبق است، اما با نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۸۶) و پاراگال^۱ و همکاران (۲۰۰۲) که نشان می‌دهند با افزایش تحصیلات، میزان مشارکت ورزشی افزایش می‌یابد، منطبق نمی‌باشد. این تفاوت شاید ناشی از آن باشد که در تحقیق حاضر سطوح تحصیلی زنانی که به باشگاه‌ها مراجعه کرده بودند و زنانی که به باشگاه‌ها مراجعه نکرده بودند بسیار نزدیک به هم بوده است. و بالاخره آخرین یافته اساسی تحقیق حاضر این است که داشتن یا نداشتن فرزند تأثیری بر مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی ندارد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۸۶) که نشان دادند داشتن فرزند تأثیری بر مشارکت ورزشی زنان ندارد منطبق است و آن را تأیید می‌کند.

منابع

- احسانی، محمد؛ کوزه‌چیان، هاشم و کشگر، سارا (۱۳۸۶)، بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهیر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی، مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۷: ۶۳-۸۷.
- احسانی، محمد و عزب‌دفتران، مریم (۱۳۸۲)، بررسی عامل‌های بازدارنده مشارکت فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، شماره ۲۴: ۲۹-۴۱.
- انعام، رضا (۱۳۸۰)، مطالعه اعتماد بین شخصی در روستاهای شهریار، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- اوفه، نیکلاس (۱۳۸۵)، شهروندان چگونه اعتماد می‌کنند؟ در سرمایه اجتماعی، دمکراسی و توسعه، به اهتمام کیان تاجبخش و خباز، تهران. انتشارات شیرازه.
- انورالخولی، امین (۱۳۸۱)، ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: انتشارات سمت.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- خسروی، زهرا (۱۳۸۲)، مبانی روان‌شناختی جنسیت. تهران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات توتیا.
- شارع پور، محمود و حسینی‌راد، علی (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی، مطالعه موردی شهروندان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل، مجله حرکت، شماره ۳۷: ۱۵۳-۱۳۱.

- شولتز، دوان، شولتز، سیدنی، آلن (۱۳۷۷). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات هما.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران*، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- مظفری، امیر احمد و صفانیا، علی محمد (۱۳۸۱)، *توصیف نگرش و گرایش مردم نسبت به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی در جمهوری اسلامی ایران*. طرح تحقیقاتی ملی.
- وحید، فریدون، عریضی، فروغ و پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵)، *بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی*، مطالعه موردی زنان استان مازندران، فصلنامه المپیک، سال چهاردهم، شماره ۱: ۸۶-۷۷.
- Coakley, J. (2007). *Sport in society: Issues and controversies*, Boston, Mass, Mc Graw Hill.
- Delaney, L., Keaney, E. (2005). *Sport and social capital in the United Kingdom: Statistical evidence from national and international survey data*. London, Department of Culture, Media and Sport.
- Fox, K., Richards, L. (2004). *Sport and leisure*, London, Crown Publishing.
- Hylton, K., Bramham, P. (2008). *Sports development: Policy, process and practice*. London, Routledge.
- Lensk, H. J. (2003). *Out on the field: Gender, sport and sexualities*. Toronto: Women Press.
- Palm, J. (2000). *Sport for all and its projection to the year 2000*, <http://www.Tafisa.net/content/index.Php?option=content&task=view&id=5>.
- Paragal, S. Gilligan, D. O. Hug, M. (2002). *Does Social Capital Increase Participation in Voluntary Solid Waste Management? Evidence from Dhaka, Bangladesh*, Published in Grootaert, C and Bastelaer.
- Putnam, R. D. (1993). *The prosperous community: Social capital and public life in the American Prospect*, 4(13).
- Putnam, R. D. (2002). *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society* (Edited), Oxford University Press.
- Seippel, O. (2006). *Sport and social capital*, Acta Sociologica, Vol 49, No 2, PP 169-183.
- Stratton, M. Conn, L. Conolly, L. (2005). *Sport and related recreational activity, The social correlates of participation and non-participation by adults*, Sport Management Association of Australia and New Zealand (SMAANZ), Eleventh Annual Conference, Canberra.
- United Nations. (2007). *Women, equality and sport*, Department of Economic and Social Affairs.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

احمدی، سیروس، نادریان، مسعود، کارگر، سعید (۱۳۹۲). «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مراجعه زنان به باشگاه‌های ورزشی»، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۳ (۶)، ۹-۱.